

«در این جهان خاموش و افکنده باش تا در تو  
امید آن جهانی قرار گیرد. زیرا که سبزه خرمی دل  
از خاکی شدن باشد. و از آتش منظرها بگذر و  
چشم دل را نگاه دار تا پر خاک نشود که تا به پل  
صراط برسی و آسان برگذری. تو همه مر دوستی  
الله را باش تا همه حرکات تو پسندیده شود»  
(معارف، ۲۶۰).

## پیشگفتار

«معارف» بهاء‌ولد (۶۲۸-۵۴۵ ه. ق) از نمونه‌های کهن زندگی‌نامه خودنوشت عرفانی - ادبی است که مشتمل بر مواعظ و آموزه‌های عرفانی و معنوی او است. بهاء‌ولد در کتاب معارف ضمن اینکه احوال و جزئیات زندگی عرفانی و روزمره خود را گزارش داده، مشاهدات رؤیایگونه‌اش را نیز بر پایه تصورات و برداشتهای شخصی خود به مذاق اهل عرفان بیان کرده است.

کتاب معارف با همه ارزش عرفانی و تاریخی‌اش، از حیث ادبی و هنری نیز از آثار مهم زبان و ادب فارسی به شمار می‌رود. بهاء‌ولد در این اثر عرفانی - ادبی در بیان مفاهیم معنوی و اندیشه‌های عرفانی، ذوق هنری و توانایی چشم‌گیری از خود نشان داده است. از این روی هدف اصلی از تصحیح این کتاب بیشتر نشان دادن اهمیت و ارزش ادبی آن بوده است.

یکی دیگر از جنبه‌های مهم فرهنگی و تربیتی این اثر، مباحث حکمی و اخلاقی آن است که با لحنی ساده و مفهوم بیان شده است. اما با عنایت به اینکه گوینده در تبیین نکات عرفانی تحت تأثیر ذائقه و برداشتهای شخصی و مکتب‌های کلامی رایج روزگار خود بوده است، گاهی ضعف‌های منطقی و خلاف عرف در ادعا و تصورات او دیده می‌شود. به برخی از این نوع برداشتها در مقدمه و تعلیقات کتاب اشاره شده است.

«معارف» برای نخستین بار به اهتمام استاد بدیع‌الزمان فروزانفر با تکیه بر چهار نسخه خطی در سال ۱۳۳۳ به صورت علمی و انتقادی تصحیح و منتشر شد.

مصحح سعی کرده اجزای سه‌گانه معارف را به صورت روایتی واحد تصحیح کند. نسخه چاپی فروزانفر از کتاب معارف تا کنون تنها مرجع اهل تحقیق در این زمینه بوده است، اما او فرصت شناسایی نسخه‌های کامل و معتبر کتاب معارف را نداشته و چاپ وی با

دیگر نسخه‌های کهن مقابله نشده است، به همین سبب تصحیح مجدد معارف بر اساس نسخه‌های معتبر و موثق ضروری می‌نمود. البته اذعان می‌داریم که با عنایت به کمبود امکانات نسخه‌شناسی آن روزگار تصحیحی که ایشان انجام داده‌اند بسیار ارزشمند و در نوع خود کم‌نظیر است و هنوز هم تنها منبع مورد استناد اهل تحقیق است.

هنگام پژوهش در باب نسخه‌های خطی کتاب معارف، به نسخه‌های جدیدی از آن دست یافتیم که از حیث اعتبار تاریخی و صحت و اصالت جایگاه خاصی در عرصه نسخه‌پژوهی دارند. یکی از این نسخه‌ها که اخیراً شناسایی شده و تصحیح حاضر بر اساس آن انجام گرفته است، نسخه شماره ۲۱۱۴ است که در موزه مولانا در قونیه نگهداری می‌شود. این نسخه شامل دو جزو کامل معارف است و تاریخ کتابت آن در سال ۷۲۳ بوده است. نسخه یاد شده از حیث نوع خط، کاغذ، جلد و شیوه کتابت، بسیار شبیه به نسخه‌های خطی آثار مولوی است که جانشینان و شاگردان او در قونیه کتابت می‌کردند. با عنایت به این قراین به احتمال این نسخه یکی از روایات اصلی و صحیح کتاب معارف تواند بود.

سپاس و ستایش بیکران خدای سبحان را که به فضل و عنایت او این تصحیح از کتاب معارف انجام یافت. در فراهم آمدن جزو اول معارف از یاری و راهنمایی‌های استادان و دوستان بزرگواری بهره‌مند بودم که سپاسگزار لطف و عنایت بی‌دریغ آن بزرگواران هستم. از استاد گرانقدر جناب آقای دکتر تقی پورنامداریان که پیوسته مشوق اصلی در انجام این تحقیق و تصحیح بودند.

از استاد دکتر عباسعلی وفایی که مقدمات دسترسی به نسخه‌های خطی معتبر را در برخی از کتابخانه‌های کشور ترکیه فراهم نمودند. از استاد دکتر سید علی اصغر میرباقری فرد مدیر محترم قطب علمی تحقیق در متون حکمی و عرفانی دانشگاه اصفهان که مشورت‌های مشفقانه و علاقه ایشان به انجام این کار بسی مایه دلگرمی بود. از دوست و برادرم جناب آقای دکتر احسان رئیسی که در مرحله ویرایش و صفحه‌آرایی کتاب نکات درخوری را یادآور شدند. از مدیر محترم نشر سخن جناب آقای علی اصغر علمی که در نشر این کتاب لطف‌های بی‌دریغ نمودند.

در انجام سخن سپاس ویژه دارم از همسر، ایشان با پشتوانه معنوی خاصی که از حکمت اسلامی و ادب فارسی دارند، در مطابقت نسخه‌ها و ثبت اختلاف آنها با دقت تمام

و صبر و شکیبایی بی نظیری همراهی کردند و رنج و زحمت بازمینی متن و تنظیم فهرس را تقبل نمودند. تصحیح این اثر چند سالی به طول انجامید در طی این مدت فرزندان دلیندم صبوری پیش گرفتند و همراه مهربان در این راه بودند، از خدای سبحان برای این عزیزانم عاقبتی نیک و جزای خیر خواهانم.

وَالسَّلَامُ عَلَيَّ مَنِ اتَّبَعَ الْهُدَى

چهاردهم شوال ۱۴۴۲

ششم خرداد ۱۴۰۰

نزهت

## فهرست مطالب

عنوان	صفحه
۱. مقدمه مصحح.....	هفده
۱-۱. پیشینه نگارش معارف عرفانی.....	هجده
۲-۱. نوع‌شناسی کتاب‌های معارف.....	بیست
۳-۱. اصول معارف نویسی و اهداف آن.....	بیست و یک
۴-۱. بهاء‌ولد خطیبی پارسا.....	بیست و چهار
۵-۱. ساختار کتاب معارف و اهمیت ادبی آن.....	بیست و نه
۶-۱. درونمایه‌های عرفانی.....	سی و پنج
۷-۱. تأویل و تعبیر ادراکات عرفانی.....	چهل و هفت
۲. شیوه تفسیر بهاء‌ولد.....	پنجاه و دو
۱-۲. پیشینه تفاسیر عرفانی.....	پنجاه و دو
۲-۲. تفاسیر عرفانی قرآن کریم به زبان فارسی.....	پنجاه و سه
۳-۲. معارف اثری تفسیری با رویکرد عرفانی.....	پنجاه و شش
۴-۲. تفسیر کهن عرفانی منسوب به شاگردان بهاء‌ولد.....	پنجاه و نه
۳. تصحیح انتقادی معارف و ترجمه آن.....	شصت و سه
۱-۳. نخستین تصحیح انتقادی کتاب معارف.....	شصت و چهار
۲-۳. نقد نسخه‌شناسی.....	شصت و چهار
۳-۳. شیوه تصحیح و کاستی‌های آن.....	هفتاد و سه
۴-۳. نواقص کلی.....	هفتاد و شش
۴. معرفی نسخه‌های معارف و شیوه تصحیح.....	هشتاد و چهار
۱-۴. نسخه اول موزه قونیه.....	هشتاد و چهار
۲-۴. نسخه دوم موزه قونیه.....	هشتاد و هفت
۳-۴. نسخه سوم موزه قونیه.....	هشتاد و هشت
۴-۴. نسخه ایاصوفیا.....	هشتاد و هشت

۴-۵. نسخه اول نافذ پاشا.....هشتاد و نه	۴-۶. نسخه دوم نافذ پاشا.....نود
۴-۷. نسخه اول فاتح.....نود	۴-۸. نسخه دوم فاتح.....نود و دو
۴-۹. نسخه اسعد افندی.....نود و سه	۴-۱۰. نسخه دانشگاه استانبول.....نود و سه
۴-۱۱. شیوه تصحیح.....نود و چهار	پی نوشتها.....صد و هجده
متن کتاب معارف.....۳	تعلیقات.....۳۰۹
فهرست‌ها.....۴۵۵	۱. آیات.....۴۵۷
۲. احادیث.....۴۶۳	۳. اشعار، سخنان و عبارات عربی.....۴۶۵
۴. اشعار فارسی.....۴۶۷	۵. لغات، ترکیبات و اصطلاحات.....۴۶۹
۶. اعلام (نام اشخاص، مکان‌ها، کتاب‌ها، فرق و قبایل).....۵۰۷	۷. منابع و مأخذ.....۵۱۳

## فصل ۱

### بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ وَبِهِ نَسْتَعِينُ<sup>۱</sup>

۵

۲ ﴿إِهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ﴾ [فاتحه: ۵] گفتیم ای الله هر جزو مرا به انعامی به شهر خوشی و راحت برسان و هزار دروازه خوشی بر هر جزو من بگشای. و راه راست آن باشد که به شهر خوشی برساند و راه کثر آن باشد که به شهر خوشی نرساند. همچنین دیدم که الله مزه جمله خوبان را در من و اجزای من درخورانید گویی<sup>۳</sup> جمله اجزای من در اجزای ایشان اندر آمیخت و شیر از هر جزو من روان شد و هر صورتی که متصور<sup>۴</sup> می شود از جمال و کمال و مزه و محبت و خوشی گویی این همه از ذات الله در شش جهت من پدید می آید. چنان که کسی

۱۰

۱. نذ، سع: رب تَمِّم بِالْخَيْرِ. قو، یا، فاح، دا، مو: - و به نستعین. نا: و به ثقتی.

۲. نذ، فح، نا، دا، مو: + الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَالصَّلَاةُ عَلَى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ؛ قَالَ الشَّيْخُ الْإِمَامُ الْعَالِمُ الْكَامِلُ الْمُحَقِّقُ الْمُدَقِّقُ قُطْبُ الْأَوْلِيَاءِ وَالْعَارِفِينَ سُلْطَانُ الْعُلَمَاءِ فِي الْعَالَمِينَ بِهَاءِ الْمَلَّةِ وَالْحَقُّ وَالِدَيْنِ قَدَسَ اللَّهُ رُوحَهُ وَنَوَّرَ ضَرْيَحَهُ. یا: + كتاب المعارف لمولانا سلطان العالمين في العالمين مقبول الاولياء الراسخين بهاء الملة والحق والدين محمد بن الحسين بن احمد الخطيب البلخي قدسنا الله بسرّه وجعلنا ذوالحظ من برّه أمين يا رب العالمين.

سع: الحمد لله... قدس سره و روح الله روحه و... .

۳. نذ: + که.

۴. مو: خورانید.

۵. نذ، سع: + که.

۶. نذ، قو، یا، فاح، نا، سع، دا، مو: مصور.

جامهٔ آبگونی دارد و بر آن جامه نقش‌های گوناگون و صورت‌های مختلف و گوناگون<sup>۱</sup> باشد.

همچنان الله از خود صد هزار صورت می‌نماید در من از حس و دریافت او و صور باجمالان و خوبان و عشق‌های ایشان و موزونی‌ها و صورت<sup>۲</sup> عقلیات و حور و قصور<sup>۳</sup> و آب روان و عجایب‌های دیگر لا اِلی نَهایة. نظر می‌کنم و این صورت‌ها را مشاهده می‌کنم که چندین جمال آراسته در من می‌نماید [۱ ب] و هر صورتی که<sup>۴</sup> می‌خواهم می‌نمایدم و می‌بینم که این همه از اجزای من پدید می‌آید.

و الله را دیدم که صد هزار ریاحین و گل و گلستان و سمن زرد و سپید و یاسمن پدید آورد و اجزای مرا گلزار گردانید و آنگاه آن همه را الله بیفشارد و گلاب گردانید و از بوی خوش وی حوران بهشت آفرید و اجزای مرا با ایشان درسرشت. اکنون حقیقت نگاه کردم همه صورت‌های خوب صورت میوهٔ الله است. اکنون این همه راحت‌ها از الله به من می‌رسد در این جهان و<sup>۵</sup> اگر گویند که<sup>۶</sup> تو الله را می‌بینی یا نمی‌بینی؟ گویم که من به خود نیبم که لَنْ تَرَانِی اَمَا چو او بنماید چه کنم که نیبم وَاللَّهِ اَعْلَمُ.

۱. نذ، قو، فح، نا، سع، دا، مو: لون لون.

۲. دا، سع: صور.

۳. قو: + بی نهایت.

۴. نذ، یا: + من.

۵. فح، قو، دا، مو: - و.

۶. فح، قو، نا، دا: - که.

## فصل ۲

در نماز درآدمم به الله نظر می‌کردم. چنان که صفت کنند حور را که نیمه‌اش از کافور است و نیمه‌اش از زعفران و مویش از مشک. و یا گویند فلان کس را سری است از شرم و پایی<sup>۱</sup> است از صدق و غیر وی. همچنان الله را می‌بینم همه رحمت و جلال و عظمت و کرم و قدرت و حکمت و قدم و حیات<sup>۲</sup> و اعطای مزه‌ها.

اکنون در الله و در این صفات بی‌کرانه الله نظر می‌کنم تا مزه نوع نوع و حیات نوع نوع و قدرت نوع نوع و جمال نوع نوع را در وی مشاهده می‌کنم و طمع می‌دارم که این همه را به من دهد و می‌بینم که می‌دهد [۲ الف]. اکنون دیدن من مر الله را به اندازه نظر من است. الله خود را به من همان اندازه می‌نماید که مرا نظر می‌دهد از قالب من و غیر قالب من. و دید الله از من دید این اجزای من است که از الله در وی چندین چشمه گشاده است و همچون سفره پر پیش من نهاده است و یا چون انبان پر از گوهر آکنده و پیش من نهاده است.<sup>۳</sup>

۱. فح، دا: -که.

۲. فا: پای.

۳. فح، نا: حیوة.

۴. دا: - و حیات نوع نوع و قدرت نوع نوع و جمال نوع نوع. یا: - و جمال نوع نوع. در هامش متن نسخه «یا» عبارت «جمال نوع نوع را» را با قلمی دیگر افزوده‌اند.

۵. نذ، قو، یا، فح، نا، سع، دا، مو: + به.

۶. فا، دا: - و یا چون انبان پر از گوهر... نذ، قو، یا، فح، سع، دا، مو: آکنده پیش من نهاده است.

اکنون در پیش خویش یعنی در هوای پیش خویش همه الله را می بینم و همه صفاتش را می بینم یعنی که هیچ جای بی قدرت او و صنع او و کرم او نیست. و در همه اجزای خود می بینم الله را و جمله صفات من از ادراک و دانش و قدرت و عشق و محبت و جمال و تدبیر<sup>۲</sup> و مصلحت و بینایی و شنوایی و گیرایی و ذوق و عقل و هوش و طبع این همه چشمه هاست از الله و<sup>۳</sup> صفات الله که من از این چشمه ها در الله می نگرم و می بینم و همه رحمت و قدرت و عظمت و جمال بی نهایتش را می بینم. آخر این هفت ستاره گردان مدد خوشی های جهان می باشد. اگر این صفات الله که محسوس من است و پیوسته به صفات من است مدد هر دو جهانی من باشد<sup>۴</sup> چه عجب.

در این میانه هوشم برفت. گفتم این طلب را الله در من نهاده است.<sup>۶</sup> ای الله چو مرا طالب خود گردانیده ای زیاده گردان.

اکنون بیا تا الله را از بهر چه طلب می کنم [۲ ب] از بهر همه مرادها که همه مرادها از الله حاصل می شود. در سر مجموع مرادها نظر نمی کنم<sup>۷</sup> هر یک مراد را تمام نظر می کنم و می بینم که الله آن را چگونه زنده می کند و چگونه مدد می کند و

۱. نذ، قو، یا، فا، فح، سع، مو: [فح: + که] هیچ جایی.

۲. نذ، قو، یا، فا، فح، نا، سع، دا، مو: تدبیر.

۳. فح، نا، سع، دا: + از. در نسخه نذ «از» بر بالای واژه «صفات» به قلمی شبیه به قلم متن افزوده شده است.

۴. نذ، قو، یا، فا، فح، نا، سع، دا، مو: بباشد.

۵. در نذ واژه «الله» به قلمی شبیه به قلم متن افزوده شده است. در دیگر نسخه ها نیز آمده است.

۶. فا: + گفتم.

۷. در اساس «می کنم» ضبط شده است. اما در نسخه های نذ، قو، یا، فا، فح، نا، سع و مو به صورت «نمی کنم» ضبط شده که با توجه به سیاق متن صحیح می نماید. به قیاس با نسخه های دیگر «نمی کنم» اختیار شد.

هست می‌کند و در این میان الله را و عین مزه‌های الله را و جمال الله را مشاهده می‌کنم و می‌بینم. پس از الله همه<sup>۱</sup> مراد من الله است.

باز در آچشمه ادراک مزه خوشی‌ها نظر می‌کنم می‌بینم که از الله مزه در خوشی‌ها چگونه می‌آید که هست کننده مزه الله است. پس مزه قایم به فعل الله آمد و فعل قایم به الله آمد، پس مزه قایم به الله آمد و<sup>۵</sup> این صفت الله بی نهایت آمد. پس هرچند مزه<sup>۲</sup> از الله طلب می‌کنم<sup>۷</sup> و در الله نظر کنم<sup>۸</sup> مزه‌ها بیابم بی نهایت. باز در صفت الله نگاه می‌کنم، می‌بینم که هم در من و هم<sup>۹</sup> در اجزای من این مزه‌های صفات الله چنان فرومی‌آید<sup>۱۰</sup> که من گران می‌شوم و عین مزه می‌شوم و الله اعلم.

۱. نذ، قو، یا، فاء، فح، نا، سع، دا، مو: + همه.

۲. فا: پس در.

۳. نذ، قو، یا، فح، سع، دا، مو: + و.

۴. دا: - الله.

۵. نذ، یا، فح، نا، سع، دا، مو: + بر

۶. فا: - مزه.

۷. سع، فاء، فح، نا: کنم.

۸. دا: می‌کنم.

۹. دا: - هم.

۱۰. دا: می‌آید.